

نقد عکس

نقد عکس های عکاسان ایرانی

نقد نمایشگاه جای سر خوبان

عکاس/مخاطب/موضوع

عکس‌های مجموعه‌ی «جای سر خوبان»، اثر محمد غزالی برای اولین بار در شماره‌ی یک ماهنامه‌ی الکترونیکی دیده، در فروردین ۱۳۸۹ منتشر شدند. عکس‌ها در نگاه اول بسیار معمولی بودند. زاویه دید خیلی عادی، تصاویر تکراری شهر تهران، رنگ‌های غیر طبیعی، در بعضی از آن‌ها حتی اشتباه نورسنجی دیده می‌شد. اما عنوان عکس‌ها توجه را به خود جلب می‌کرد: خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین حافظ شیرازی، شاعر سده ۸ ه.ش، سید حسن مدرس، سیاست‌مدار و روحانی سده ۱۳ و ۱۴ ه.ش. و... کنجکاو در باره‌ی ارتباط عکس و عنوانش باعث می‌شد، به نوشته‌ی ابتدای ماهنامه توجه شود. محمد غزالی نوشته بود:

«مجموعه عکس‌های جای سر خوبان نگاهی است به شهرمان
از منظر مجسمه‌های سنگی کار گذاشته شده در گوشه و کنار شهرمان؛

از شخصیت‌های بنام کشورمان

از رجال سیاسی، دینی، علمی، فرهنگی و هنری کشورمان

تندیس‌های «یاد بود» ساخته ایم از سنگ و فلز؛

رجالی که هر کدامشان با نگاه یکه و منحصر به فردشان به زندگی؛ جاودانگی به ارمغان آورده اند.

جمله‌ها و شعرهایی از ایشان به یاد داریم و زمزمه می‌کنیم و ورد زبانمان شده و سر لوحه زندگی.

تجسم لحظه‌ای جای ایشان هر چند غیر واقعی و ناممکن همیشه برایمان خوشایند بوده و هست و آرزوی آن را بر دل داریم.

مجموعه عکس‌های جای سر خوبان، عمل یا تجربه‌ی جایگزینی من در ازای من دیگر است؛ حتی برای لحظه‌ای.

نگریستن به دنیای پیرامون امروز از دریچه چشم مجسمه‌ها که خود ساخته‌ی دست امروز ماست! [۱]



خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین حافظ شیرازی، شاعر سده ۸ ه.ش.

خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین حافظ شیرازی، شاعر سده ۸ ه.ش با خواندن این نوشته، تصاویر معنای متفاوتی پیدا می‌کند. با نگاه دوباره به تصاویر، آن‌ها فقط عکس‌های معمولی شهر تهران نیستند. آن‌ها منظره پیش روی مجسمه‌های مشاهیرند. تهران از نگاه مجسمه‌ها.

نمایشگاهی از این عکس‌ها در اردیبهشت ۱۳۹۰ در گالری اثر برگزار شد. عکس‌ها در نمایشگاه با آن چه در سایت بود، تفاوت داشت. اندازه بزرگشان (۱۳۴.۴*۱۱۲ سانتی‌متر)، باعث شد گرین‌های [۲] بزرگ تصویر و لایه‌های رنگی اضافه [۳] روی بعضی عکس‌ها بیش‌تر به چشم بیایند. تجربه‌ای شبیه به دیدن عکس‌های فوری قدیمی. محمد غزالی، از اسلاید تاریخ مصرف گذشته به همراه ظهور نگاتیو رنگی استفاده کرده‌است. او با این روش به رنگ‌های غیرواقعی دست پیدا می‌کند. چاپ عکس‌ها در اندازه‌ی بزرگ باعث می‌شود که کیفیت آن‌ها پایین بیاید و شبیه تصاویر قدیمی به نظر برسد. دوربین مورد استفاده‌ی او یک روبات [۴] ۳۵ میلی متری است که کادر مربع ۲۴*۲۴ میلی متری دارد. این کادر باعث به وجود آمدن احساس ایستایی و سکون می‌شود. شیوه‌ی چاپ [۵] عکس‌ها که آن‌ها را بی‌نیاز از قاب می‌کند، به بیننده کمک می‌کند تا بدون مزاحمت با عکس‌ها ارتباط برقرار کند. [۶]

عکاس به جای مجسمه‌ها به شهر نگاه می‌کند و ما را هم در این جایگاه شریک می‌کند. در تصاویر سکون، نگاه خنثی و خالی از احساساتی‌گری، خط افق صاف و دید با فاصله به چشم می‌خورد که در عکس‌های زمین‌نگاران جدید [۷] مثل لوئیس بالتز [۸] و استفان شور [۹] در دهه‌ی ۱۹۷۰ آمریکا دیده می‌شود. ولی این ویژگی‌ها در ضمن خیلی شبیه به دید مجسمه‌ها هم هست. مجسمه‌ها در جای خود ثابتند و نمی‌توانند حرکت کنند. خط افق صاف هم به ثابت بودن سر آن‌هاست. مجسمه‌ها در محلی نصب می‌شوند و در حاشیه آن چه اتفاق می‌افتد قرار دارند. به این ترتیب این عکس‌ها به دید مجسمه‌ها بسیار نزدیکند. چون دیدی خنثی و با فاصله به موضوع دارند.

ارتباط زبان و هنر، در هنر مفهومی [۱۰] در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفت. عکاسان هم در آن زمان به این موضوع توجه نشان دادند. این مسئله در عکس‌های اد روشا [۱۱] مثل دوازده پمپ بنزین هم دیده می‌شود. کیفیت تصاویر و رنگ‌های غیرطبیعی آن‌ها با عکاسان زمین‌نگار جدید تفاوت دارد. در این مجموعه محمد غزالی با شیوه‌ی خاص ارائه‌اش، به موضوع تاریخی عکس‌ها اشاره می‌کند. اما بیش‌تر عکاسان زمین‌نگار جدید از دوربین‌های قطع بزرگ و لنز شمال استفاده می‌کنند. در حالی که محمد غزالی از دوربین قطع کوچک و لنز واید استفاده کرده‌است. این تفاوت به تصاویر غزالی بیان مستقل و هماهنگ با موضوعش را می‌دهد.

در مجموعه جای سر خوبان، محمد غزالی ارتباط عکاس، موضوع و مخاطب را به چالش می‌کشد. موضوع عکس‌ها بین تهران و مجسمه مشاهیر در نوسان است. او مرز عکاس، مخاطب و موضوع از بین برده است. مجسمه‌ها به پشت دوربین در جای عکاس رفته‌اند و کنار مخاطب قرار گرفته‌اند. او به مسئله نگاه [۱۲] توجه می‌کند و مجسمه‌ها را که همیشه در معرض نگاه دیگران قرار داشتند به نگرستن وامی‌دارد و آن‌ها را به بیننده تبدیل می‌کند. عکاس، مخاطب و موضوع هر سه در حال نگاه کردن به بخشی از شهر تهران هستند. او رابطه‌ی عنوان و عکس را به چالش می‌کشد. تأثیری که متن بر تصویر می‌گذارد، مهم‌ترین مسئله‌ای است که در این مجموعه مطرح می‌شود. عنوان عکس آن چیزی نیست که در آن‌ها می‌بینیم. محمد غزالی با انتخاب رسانه‌ی عکاسی و موضوع مرتبط با ویژگی‌های این رسانه، ذهن مخاطب را با آتارش درگیر می‌کند.

+ نوشته شده در چهارشنبه پانزدهم تیر ۱۳۹۰ ساعت ۱۹:۳ توسط الهام باباگلی | نظر بدهید

[۱] www.didemag.com

[۲] grain

[۳] cast

[۴] robot

[۵] Lambda print

[۶] از صحبت‌های محمد غزالی در یک عکاس یک نشست ۳ خرداد ۹۰ دانشگاه تهران

[۷] New Topographics: photographs of man-altered landscape

[۸] Lewis Baltz (1945)

[۹] Stephen Shore (1947)

[۱۰] Conceptual art

[۱۱] Ed Ruscha (1937)

[۱۲] Gaze

برای مطالعه‌ی بیش‌تر رجوع کنید به: اوالکر، جان. چاپلین، سارا (۱۳۸۵) «فرهنگ تصویر میانی و مفاهیم»، گرشاسبی، حمید. خاموش، سعید. اداره کل پژوهش‌های سیما، تهران